

## گفتگو با اهل تاریخ؛ این شماره دکتر داریوش رحمانیان مدیر گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم اجتماعی دانشگاه تبریز

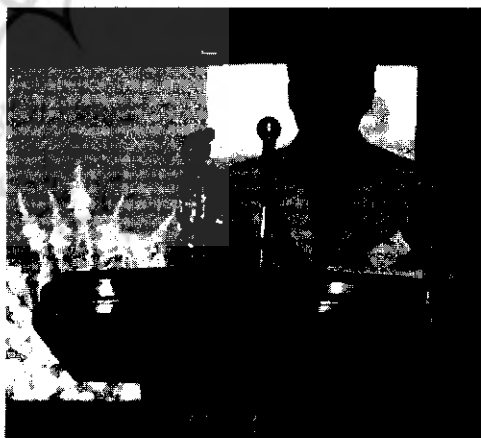
امیر ایمانی پور\*

### اشاره:

روزهای ۲۱ تا ۲۳ مهرماه سال ۱۳۸۳ دانشگاه تبریز میزبان صفویه‌شناسان و پژوهشگران عرصه‌ی علم تاریخ از سراسر کشور بود. این بار گروه تاریخ دانشگاه تبریز دست به کار بزرگی زده و «همایش صفویه در گستره‌ی تاریخ ایران زمین» را بی‌ریزی نموده بود. بی‌شک برگزاری چنین گردهمایی‌ها گامی مهم در بازشناسی و شناخت نکات تاریک یا مبهم تاریخ کشور عزیزمان ایران خواهد داشت.

آنچه در ذیل می‌آید گفتگوی کوتاهی است با دکتر داریوش رحمانیان مدیر محترم گروه تاریخ دانشگاه تبریز دانشگاه تبریز و همچنین دکتر مقصود علی صادقی دبیر محترم همایش صفویه در گستره تاریخ ایران زمین که زحمات زیادی را جهت برپایی با شکوه همایش متحمل شدند.

- لطفاً انگیزه‌ها و اهداف برگزاری همایش صفویه را بیان کنید:  
- رحمانیان: بنده و دکتر صادقی (دبیر علمی همایش) در مصاحبه‌هایی که از چند ماه پیش تاکنون پیرامون همایش داشته‌ایم اهداف و انگیزه‌ها را تشریح و تبیین کرده‌ایم. انگیزه تحرک علمی و برداشتن گامی مفید و مؤثر در جهت رشد آگاهی تاریخی است. اهداف نیز



\* دانشجوی کارشناسی تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد.

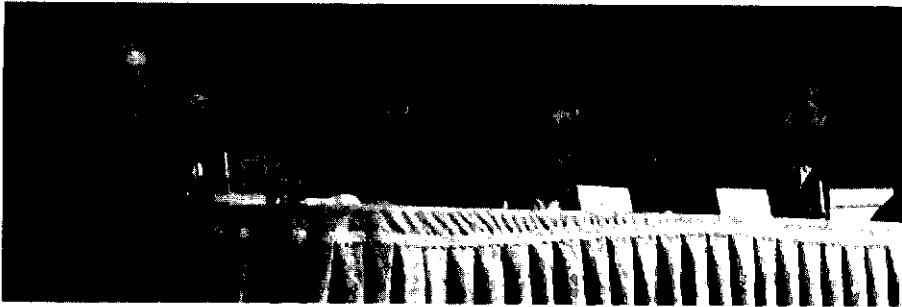
گونه‌گونند. بعضی از اهداف کوتاه مدتند و بعضی دراز مدت. بعضی خاص و موردی و منطقه‌ای‌اند و عمومی و فراگیر و ملی. دوره صفویه در تاریخ ایران دوره اسلامی دوره‌ای بسیار مهم و اثرگذار است. نقطه عطف بسیاری از مسائل تاریخی و فرهنگی و سیاسی و ... ایران سه چهار قرن اخیر دوره‌ی صفویه است. هویت جدید ملی ما از دوره صفویه به این سو شروع به شکل‌گیری کرده است. وحدت قلمرو سیاسی ایران پس از قرن‌ها فترت در همین دوره دوباره ایجاد شده است. پس از نهمصدسال از بر افتادن دولت ساسانی این دولت صفویه بوده است که در احیای قلمرو باستانی ایران زمین تلاش‌های مؤثر و پایدار صورت داده است. این دوران از تاریخ کشور ما از نظر تنوع مواد تاریخی و فرهنگی و ... بسیار غنی و غیر قابل قیاس با دوره‌های پیشین است. به استثنای دوره‌ی قارچار و معاصر در هیچ مقطع دیگری از تاریخ ایران با اینهمه تنوع مواد و منابع و مدارک تاریخی علمی و فرهنگی و ... روبرو نیستیم. اسناد و مدارک مربوط به تاریخ و فرهنگ دوره صفویه به غیر از اسناد و مدارک و منابع و متون فارسی و عربی و ترکی شامل اسناد و مدارک بسیار متنوع در زبانهای دیگر به ویژه زبانهای فرانسه و آلمانی و هلندی و انگلیسی و اسپانیولی و ... می‌شود. آثار معماری و هنری و علمی و ... بر جای مانده از این دوران از تاریخ ایران در بسیاری موارد از نظر کیفیت. همانگونه که می‌دانید از این دوران متون بسیار در زمینه‌های فلسفی و فقهی و کلامی و عرفان و حدیث و شعر و ادبیات و علوم و فنون مختلف دیگری بر جای مانده است. که بخش عمده‌ای از آنها هنوز به شکل خطی در کتابخانه‌های مختلف ایران و جهان باقی مانده‌اند و نیاز به بررسی جدی دارد و به همین لحاظ برای بازشناسی هویت ملی و مذهبی ایرانی شناخت دوره‌ی صفویه از اهمیتی دو چندان برخوردار است. و در این راه یکی از گامهای اساسی و مهم و ضروری بر پا کردن همایش‌هایی از این دست می‌باشد که ما بر پا کرده‌ایم. البته امیدواریم که درباره‌ی صفویه شناسی این نخستین گام اساسی باشد و گامهای بعدی به همت گروه‌های دیگر تاریخ در دانشگاه‌های دیگر برداشته شود. با همین اندیشه و امید بوده است که ما همواره تأکید کرده‌ایم که این همایش نخستین همایش، درباره‌ی صفویه در گستره‌ی تاریخ ایران زمین است و در قطعنامه پایانی نیز ضمن تأکید مجدد بر همین در شهرهای اردبیل و چالدران و قزوین و اصفهان نیز بر پا شود. اگر ما شروع کننده بوده‌ایم بر این سبب بوده است که آذربایجان خاستگاه صفویان و نخستین جایگاه شکل‌گیری آن دولت و تبریز

نیز نخستین پایتخت صفویان بوده است. دیگر اینکه به سبب همین امید به ادامه همایش در شهرهای دیگر بوده است که ما محورهای فراخوان همایش را محدود گرفته‌ایم و به عنوان مثال به هیچ روی از هنر و معماری و ادبیات و حتی ساختار دیوانی و اداری سختی به میان نیاورده‌ایم و چنانکه در قطعنامه پایانی تذکر داده‌ایم امیدواریم در مراحل بعدی و در همایش‌های دوم و سوم و چهارم در صفویه در گستره‌ی تاریخ ایران زمین» به مباحثی که ما به عهد مغول و مسکوت گذاشته‌ایم توجه کافی و وافی شود.

**- لطفاً از انگیزه‌ها و اهداف فراگیر و کلی و ملی نیز اشاره داشتید کمی سخن بگویید.**  
 رحمانیان؛ شاید محتاج به تفصیل نباشد که تاریخ ملی ما ایرانیان چه به لحاظ پیشینه دراز و درخشان و چه به لحاظ پیوستگی و استمرار خیره کننده، تاریخی اگر نگوییم بی‌نظیر، دست کم - کم نظیر است. در تاریخ فرهنگ و مدنیت عالم کمتر ملتی چنین نیروی شگرف و شگفتی برای پایداری و استمرار از خود نشان داده و اینهمه فراز و نشیب‌ها و افت و خیزها و تلاطمات بزرگ را تجدید کرده است. وظیفه سنگین به عهده ماست که از راز و رمز این استمرار سر در بیاوریم. وظیفه ماست که با توجه به تاریخ ملی تداوم حیات ملی‌مان را به عنوان ایران و ایرانی تضمین کنیم. مسئولیت ایرانی بودن مسئولیت سنگینی است. برای فهم و تذکر و تبیین تاریخ ملی و نیل به خودآگاهی ملی تاریخی که اساسی‌ترین نیاز ماست به بنیادهای پژوهشی و علمی بزرگ نیاز داریم که رسالت سامان دهی به تحقیقات تاریخی را به دوش بکشند و بر عهده گیرند. البته در ایران کنونی ما بنیادهای پراکنده بسیار داریم اما به طور جدی خلأ یک بنیاد تاریخ ایران زمین را در سطح ملی



حس می‌کنیم. این عیب بزرگی است برای کشور و ملتی چون ایران که چنین کمبودی را داشته باشد و در راه رفع آن گام برندارد. بنیادهایی چون ایران‌شناسی و فارس‌شناسی و یا بنیاهایی چون تاریخ معاصر ایران هستند اما به هیچ روی نمی‌توانند خلأ وجود بنیاد تاریخ ملی ایران زمین را پر کنند. این نیز درخواستی است که ما در قطعنامه پایانی همایش آورده‌ایم و امیدواریم که کم کم مقدمات عملی شدنش انجام شود. اینکه موانع عملی شدن این اهداف و یا به عبارت دقیقتر



آرزوها چقدر زیاد باشند مهم نیست و به هیچ روی نباید مانع گفتن و فکر کردن شود. بهر حال هر چیزی در عالم واقع قبل از عینی شدن در ذهن شکل می‌گیرد. به عبارت دیگر همه چیز از فکر و ذهن آغاز می‌شود. ما نیز فکر را مطرح می‌کنیم و سخن‌مان را می‌گوییم و او به قول شمس تبریزی پس از هزار سال به صاحب سخن و به مردان عمل برسد!

حالا که سخن بدینجا رسید اجازه دهید اهمیت و ضرورت طرح این افکار و فوریت برداشتن گامهای عملی در این باره را به شکلی دیگر بیان کنم.

جامعه ما در حال حاضر از مشکلات یا بحران‌هایی رنج می‌برد که ریشه در گذشته دارند و به اصطلاح موروثی‌اند اگر ما می‌خواهم زنده بمانیم و به عنوان ایران و ایرانی جایی در تاریخ و جغرافیای زمان‌های آینده داشته باشیم وظیفه داریم هر چه زودتر این بحران‌های مزمن موروثی تاریخی را علاج کنیم. بنده بحران‌ها یا مشکلات ایران در پنج چهره یا وجه خود را نشان داده‌اند و می‌دهند: ۱- بحران اقتصادی را درک نیاز به ژرف کاوی و ژرف نگری و حساسیت خاصی ندارد و همه‌ی مردم می‌توانند براحتی آن را درک و حس کنند.



۲- بحران مدیریت یا بحران سیاست، سیستم مدیریت سنتی شخصی محور و مبتنی بر فرهنگ قبیله‌گی ما در قرون اخیر به این شکل بوده است که نتوانسته است باعث پیدایش یک نظام اداری و سیاسی کارآمد و شایسته سالار و علمی بشود. البته در دهه‌های اخیر تغییرات و اصلاحات بنیادینی صورت گرفته است.

اما پیدا است که این درد مزمن تاریخی را که بازمانده

قرون و اعصار است به این سادگی که نمی‌توان علاج کرد. به قول سعدی: سعدی به روزگاران مهتری نشسته بر دل بیرون نمی‌توان کرد الا به روزگاران.

۳- دیگری بحران اخلاق است. منظور من فردگرایی و خودخواهی و به طور کلی مشکلات مربوط به منش ملی ماست. از نظر روان‌شناسی و اجتماعی شناخت این دردها و این مشکلات بسیار اهمیت و ضرورت و فوریت دارد. به هر حال این همه حوادث بنیان‌کن که در تاریخ ده



دوازده قرن اخیر ما صورت وقوع یافته نمی‌توانسته است در منش ملی ما بی‌تأثیر باشد. یکی از تبعات ناامنی‌ها و هرج و مرج‌ها و خونریزی‌های حوادثی چون حادثه حمله مغول و امثال آن پیدایش فلج روحی و روانی و روحیه یاس و نومیدی و عدم خودباوری و عادت کردن به زیر دست و مظلوم و حقیر و عقب مانده بودن و پیدایش عادات بسیار مهلک ذهنی و روانی از قبیل ذه‌نیت شکست و ... بوده است.

خلاصه کلام اینکه منش ملی ما ضعف و بیماری دارد و از طریق روان‌شناسی تاریخی می‌بایست ریشه‌شناسی و ریشه‌یابی شود.

۴- دیگری بحران هویت است. بعضی از خودبیگانگی و یا الیناسیون سخن می‌گویند. به عقیده بنده بالاتر و بدتر از آن ما در قرون اخیر به سبب علل شده‌ایم. ما هویت تاریخی و فرهنگی خودمان را گم کرده‌ایم و از تعریف آن عاجز مانده‌ایم. این یک بیماری مهلک و بسیار خطرناک است که باید جدی گرفته شود. ما در عصر جدیدی به ویژه در این دوران که با پدیده‌ای بنام جهانی شدن روبرو هستیم نیاز به تعریف مجدد خود در تاریخ و جغرافیای زمان داریم. این فقط از راه دانش و فهم تاریخی و خود آگاهی تاریخی در سطح عمومی و ملی ممکن و شدنی است. مشکل دیگری که ما داریم به ویژه در دهه‌های اخیر کمی حادث شده است یکی حالت گریز از مرکزی است که برای بعضی از قومیت‌های ایرانی پدید آمده است و در همین ارتباط یکی این است که در همسایگی ما هویت‌های جعلی جدیدی شکل گرفته‌اند که برای جعل هویت به ذخایر و مواریث تاریخی و فرهنگی ما چشم طمع دوخته و آشکارا به آنها دستبرد می‌زنند. در واقع

عناصر سازنده‌ی تاریخ ملی ما به سبب غفلت و انفعال خود ما دچار سرقت و دستبرد شده و می‌شود و این پدیده هم معلول بحران هویت ما سازان اطراف ماست و هم به نوبه‌ی خود علت آن. یعنی یک رابطه دو سویه بین این پدیده خطرناک و چالش برانگیز با بحران هویت وجود دارد.



۵- و اما آخرین و اساسی‌ترین بحران، بحران عقلانیت است که گاه از آن به بحران تفکر نیز یاد کرده‌اند. اینکه علت‌های پیدایش این بحران چه بوده است و راه علاجش چیست چیزی نیست که در این مجال کوتاه بشود توضیح کافی و وافی درباره‌اش داد. اما به طور مختصر می‌گوییم می‌گذرم که همه‌ی آن بحران‌های دیگر پیش گفته‌زاده و به اصطلاح میوه این بحران هستند. بنابراین علاج همه مشکلات و گرفتاری‌ها در علاج بحران عقلانیت و پدید آوردن یک فرهنگ عقل پایه و عقل محور و عقل بنیاد و

عقل پرور و عقل گستر نهفته است. به گمان بنده یکی از کارهایی که برای علاج این بحران و ایجاد یک روح فلسفی به عنوان پایه و اساس هر گونه ترقی و هر گونه امکان احیا و یا تمدن‌سازی در آینده باید صورت گیرد سرمایه‌گذاری در علوم انسانی و اجتماعی و برنامه‌ریزی برای رشد این علوم و به ویژه علم تاریخ است. فکر نمی‌کنم هیچ عاقلی انتظار داشته باشد که مشکلات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و فکری و فرهنگی جامعه ما و یا هر جامعه دیگری را فیزیکدانان و شیمی‌دانان و تکنوکرات‌ها و اصحاب فنون و صنایع و مهندسان و ... حل و رفع کنند. هر چند متأسفانه به علت همان بحران عقلانیت گوی در جامعه ما چنین انتظار نامعقولی وجود دارد نگاهی به ترکیب مدیران ارشد جامعه ما و ذهنیت و تفکری که آنها نسبت به علوم انسانی و اجتماعی دارند مؤید این ادعاست. بنده خود بارها با بسیاری از این مدیران بر خورد کرده‌ام که درک صحیحی از جایگاه و نقش و کاربرد علوم انسانی و اجتماعی نداشته‌اند و حتی بعضاً آنها را برای جامعه بی‌فایده و یا دست کم کم فایده و کم اثر می‌پنداشته‌اند و بدتر اینکه

بعضی از آنها اصلاً علوم انسانی و اجتماعی و از جمله تاریخ را در شمار علوم به شمار نمی‌آورده‌اند.

فاعتبرو و یا اولی‌الابصار!

به هر حال این انتظار باطلی است که فیزیکی‌دان و شیمی‌دان و ... بتواند از تقدیر تاریخی ما و از علل انحطاط و عقب‌ماندگی‌مان پرسش کند و به تبع انتظار نمی‌توان داشت را فقط با سرمایه‌گذاری روی رشد و ترقی علوم طبیعی و تجربی و پایه و مهندسی و ... کشور رشد کند و راه برون رفت از انحطاط و عقب‌ماندگی را بگشاید.



- در قطعنامه پایانی همایش به ضرورت تشکیل انجمنی به «نام انجمن تاریخ پژوهان» اشاره کردید. لطفاً در این باره و راههای عملی شدن این پیشنهاد توضیح دهید:

- رحمانیان: همانگونه که پیش از این گفتم عمل و عین همیشه پس از فکر و ذهن می‌آید. راه عملی شدن این فکر این است که تا آنجا که می‌توانیم آن را که تکرار و تشریح و تبیین کنیم.



مسئلاً وقتی که این سخن مدام تکرار شود آثار خود را به جای می‌گذارد. بیخود نیست که شاعر گفته است: «تنها صداست که می‌ماند» یا به قول حکیم خرد نامه سرای ایران: «سخن ماند از آدمی یادگار سخن را چنین خوار مایه مدار.» امیداوریم انشاءاله به تدریج پیوستگی گروههای تاریخ همه دانشگاهها با هم بیشتر شود و یک انجمن صنفی و علمی

فراگیر پدید آید. البته نقش و تأثیر انجمن‌های علمی دانشجویی نیز به هیچ روی نباید مورد غفلت قرار گیرد من تشکیل آنرا یکی از پدیده‌های بسیار مبارک می‌دانم. دانشجویانی که امروزه در این انجمن‌ها کارهای گروهی و همفکری و همراهی و مشارکت و همدلی و همکاری را با هم

تمرین می‌کنند فردا استادان دانشگاهها خواهند بود و به یاری خدا همان‌ها اینگونه افکار را علمی خواهند کرد.

### - آقای دکتر جایگاه تاریخ در کشور ما کجاست و ضعف‌ها در چیست؟

- رحمانیان: در بخش‌های قبلی تا حدی به این مطلب پرداختیم. اینجا اجازه بدهید که به یک مثال دیگر از بی‌توجهی به تاریخ ملی‌مان اکتفا کنیم. ما ایرانیان جزو معدود ملت‌هایی هستیم که تاریخ مدون باستانی دارند. اما شگفت اینکه در دانشگاه‌های ما هیچ درس عمومی مربوط به تاریخ ملی وجود ندارد و این برآستی شگفت‌آور و در عین حال دردآور و پرسش‌انگیز است! شما اگر به مالزی و کره و اندونزی و بنگلادش و ... بروید و بخواهید که مثلاً در دانشگاه‌های آنجا در رشته پزشکی و یا مهندسی درس بخوانید باید چند واحد هم تاریخ ملی آن کشورها را بخوانید. با اینکه بیگانه هستید. اما این برای آنها مهم است. شما به عنوان یک مهاجر یا مسافر باید با تاریخ و فرهنگ ملی آنها آشنایی پیدا کنید. امادر ایران وضع از چه قرار است؟ بیگانه که هیچ ما حتی به جوانان خود تاریخ ملی‌شان را تذکر نمی‌دهیم. آیا این گریه‌آور نیست؟! ملتی که سه هزار سال تاریخ ملی مدون دارد جوانانش در دانشگاهها یعنی در دوره‌ای از زندگی که بیش از هر دوره‌ای دیگر نیاز به فهم و شناخت تاریخ ملی‌شان را دارند - حتی دو واحد درس تاریخ تمدن و فرهنگ کشورشان را نمی‌خوانند. وضع در مدارس را از اینجا باید قیاس کرد که چیست. توضیح اضافی نیاز ندارد. آنچه که عیان است چه حاجت به بیان است. مشت نمونه خروار است. از همین جا جایگاه تاریخ را در کشور ما فهم کنید، که العاقل یکفی الاشاره. با این وصف آیا عجیب است که ما از بحران هویت سخن بگوییم؟ آیا انتظار داریم جوان





ایرانی که از تاریخ خودش چیزی نمی‌داند اسیر غربزدگی و شرقزدگی و الیناسیون و خودباختگی و خود گم‌کردگی نشود؟!!

آیا چنین انتظاری با عقل سلیم جور در می‌آید؟! بنده در جای دیگری نیز گفته‌ام و اینجا نیز برای حسن ختام این بحث می‌گویم: تاریخ گذشته مثل یک گول است که اگر آنرا شناختیم بر شانه‌هایش سوار می‌شویم و آینده را افق‌های درخشان فردا را می‌بینیم و می‌سازیم و ترقی می‌کنیم و نیروی عظیم آن قول را بر اختیار در می‌آوریم اما اگر بر عکس آنرا نشناختیم آن وقت این گول گذشته است که بر شانه‌های ما می‌نشیند و ما را زیر سنگینی خویش له و لورده می‌کند. وقتی که ما گذشته را نشناسیم همواره اسیر گذشته و در گذشته می‌مانیم؟! ملتی که تاریخ خود را نشناسد آینده‌ای نیز نخواهد داشت.

- **خب آقای دکتر برگردیم به همایش صفویه، ارزیابی شما از همایش و میزان موفقیت و دستاوردهای آن چیست؟**

- **رحمانیان: در حد خودش خوب بود و حتی خارج از انتظار ما. تقریباً تمام استادان و بزرگان**

**که در این همایش شرکت کردند آنرا کاری بسیار مهم، سودمند و با پیامدهایی بزرگ معرفی**



**کردند. در سالهای اخیر شاید کمتر اجتماعی از تاریخ پژوهان ایرانی در این سطح و با این کیفیت دیده‌ایم. اما مسلم است که همایش ما ضعف‌ها و کاستی‌ها و نقایصی نیز داشته است. به هر حال گامهای نخست همیشه سخت‌تر و سست‌تر و لرزان‌ترند البته ما تلاش کردیم که همین گام نخست را هم تا حد امکان محکم برداریم و به اصطلاح خشت اول را راست و درست بگذاریم. قانون هستی قانون تدریج و تکامل است اگر هسته چیزی درست و به موقع کاشته شود و سپس به آن توجه و رسیدگی کافی شود حتماً رشد خواهد کرد و شاید روزی به درختی تناور و پرثمر تبدیل شود. و ما و همکارانمان تلاش کردیم این هسته اولیه را بکاریم. اگر همتی و توانی باشد گامهای**

بعدی را نیز با همکاری‌ها همکاران‌مان در گروه‌ها و دانشگاه‌های دیگر برخواهیم داشت و این همایش را با همین نام و عنوان ادامه خواهیم داد. البته در فکر برپایی همایش‌هایی دیگر در موضوعات و دوره‌های دیگر نیز در سال‌های آینده خواهیم بود و امیدواریم به تدریج نقایص و کاستی‌های کارمان برطرف شوند.

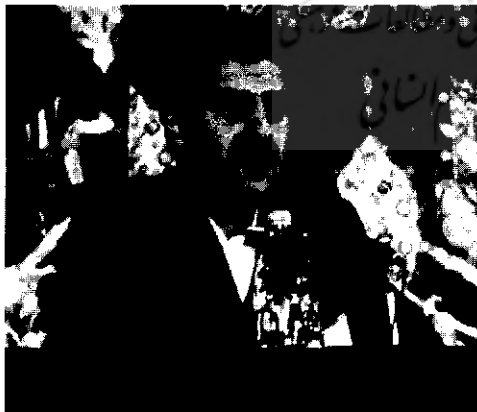
— آقای دکتر بفرمایید که مجموعه کامل مقالات همایش چه زمانی به چاپ خواهد

رسید؟

— رحمانیان: تلاش ما این است که از یک ماه دیگر مجموعه مقالات را زیر چاپ ببریم. البته به شرطی که متن نهایی مقالات همه‌ی استادان و پژوهشگران شرکت کننده به دست ما برسد. شمار اندکی از بزرگان هنوز متن نهایی را تحویل نداده‌اند یا پس گرفته‌اند تا اصلاح و تجدید نظر کنند.

— در پایان ضمن تشکر از قبول انجام گفتگو، اگر مطلب خاصی دارید بیان کنید:

— رحمانیان: در این جا، جا دارد که بار دیگر از همه‌ی همکارانم در گروه تاریخ دانشگاه تبریز به ویژه از آقایان دکتر صادقی و دکتر خزائلی و سرکار خانم دکتر اورجی - صمیمانه سپاسگزاری کنم و به آنها دست مریزاد و خسته نباشید بگویم. از آن میان بار اصلی همایش به دوش آقای دکتر صادقی بود که خالصانه و عاشقانه به مدت یک سال تمام شبانه روزی کار و کوشش کرد و در این راه چیزی جز عشق راستین و خالص به ایران و ایرانی راهنما و راهگایش نبود. نیز جا دارد



از انجمن علمی دانشجویان تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد صمیمانه سپاسگزاری کنم. بی‌تعارف حضور این عزیزان در همایش ما از این راه دور برآستی مایه‌ی امید و شوق و لذت بود. من فکر می‌کنم در گروه تاریخ مشهد یک نیروی زندگی راستین وجود دارد که اگر اهالی آنجا به ویژه همکارانم قدرش را بدانند و بشناسند در آینده ثمرات زیاد خواهد داشت. در پایان از بچه‌های انجمن

علمی تاریخ دانشگاه مشهد خواهش می‌کنم که در پیوند انجمن‌های علمی گروه‌های تاریخ سراسر ایران - از دانشگاه‌های دولتی گرفته تا آزاد - کوشش کنند و گام بردارند و حتی یک انجمن علمی فراگیر دانشجویان تاریخ در سطح ملی پدید آورند که دست کم به طور سالانه برای خود برنامه‌هایی از قبیل همایش‌های علمی و گردشهای علمی و ... داشته باشد و مقدمه‌ای شود برای تشکیل انجمن تاریخ پژوهان ایران را قبلاً مطرح شد.

در ادامه گفتگو نظر آقای دکتر مقصودعلی صادقی دبیر همایش صفویه در گستره تاریخ ایران زمین در مورد فعالیت دبیرخانه همایش و تعداد مقالات ارسالی جویا شدیم.



صادقی: ضمن تشکر از انجمن علمی تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد به عنوان یکی از برترین انجمن‌های فعال دانشگاهی که اصولاً ذکر خیر این انجمن بین ما و دانشجویان ما هست.

بحث همایش از یک سال پیش با ارسال فراخوان به دانشگاهها آغاز شد و خوشبختانه با استقبال خوبی نیز همراه شد. که بیش از ۱۲۰ مقاله علمی پژوهشی به دبیرخانه ارسال شد که اصولاً نیز از اساتید برجسته و صفویه‌شناسان معروف بوده از بین آنها حدود ۷۸ مقاله پذیرفته که تعدادی از آنها به صورت ارائه مقاله و خلاصه مقاله انتخاب شد و در این طول این سه روز به شکل محدودتری ارائه می‌شود.

نحوه‌ی همکاری مجموعه استان و ادارت استان تا چه حد بوده است؟

صادقی: بعضی ادارات و نهادها واقعاً با این همایش هماهنگی و همکاری نمودند ولی بعضی نیز بی‌اعتنا به آن بودند از میان این نهادهای یاری دهنده می‌توان از استانداری آذربایجان شرقی و مؤسسه فرهنگی آران، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری و نیز از



مراکز گفتگوی تمدن‌ها، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی همکاری خوبی با ما دانستند.

**برنامه علمی چند درصد از اهداف شما را تأمین کرده است؟**

صادقی: اگر بخواهیم درصد معینی تعیین کنیم صحیح نیست و عمده هدف ما این بوده که یک شروع داشته باشیم اگر این حرکت را یک شروع تلقی کنیم فکر می‌کنم همه اهدافمان را محقق کردیم و چون این پدیده در کشور ما دیر شروع شده و عمده هدف ما این بود که این را در کشور جا بیندازیم که اساتید و دانشجویان و مسئولین که دورانهای تاریخی ما سرمایه‌های ملی ما هستند و فرهنگ و تمدن ما در دل این دورانها شکل گرفتند و ما باید به این دورانها ارج بگذاریم گاهی ما به بهانه‌های واحی تمام گذشته کشورمان را انکار می‌کنیم. اگر ما توانسته باشیم به همین هدف اولیه یعنی نشان دادن اهمیت دورانهای تاریخی رسیده باشیم فکر می‌کنیم اهداف ما محقق شده است.

